جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

یادداشت

از شلاق و زندان تا گرسنگی ساختاری: کالبدشکافی اقتصادی و سیاسی ماشین سرکوب کارگری

مصطفی کمالی



مکانیزم‌های انباشت سرمایه، شرکت‌های واسطه، غارت صندوق‌های بازنشستگی و هم‌پیمانی جناح‌های حاکم

مقدمه: اقتصاد سیاسی بحران؛ چرا فقر کارگری یک تصادف نیست؟

آمارها تنها ارقام خشک ریاضی نیستند؛ بلکه نشانگر وضعیت نامتوازن و عدم تعادل بازار کار و انباشت فزاینده‌ی سرمایه در دست لایه‌های بالایی و صاحبان ثروت و قدرت‌اند. ثبت ۶۷۲ ماه حقوق معوقه در ۱۸۸ واحد کارگری، ۲,۴۵۷ مورد اخراج و تعدیل، ۶۵۸ مورد بیکاری ناشی از توقف تولید و ۲,۲۵۹ کارگر بلاتکلیف در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵] ۱[، ریشه در یک بحران عمیق ساختاری دارد.

برای درک این وضعیت، باید از نگاه‌های سطحی و تقلیل‌گرایانه (مانند توصیف بحران صرفاً به عنوان سوءمدیریت فردی مدیران) عبور کرد. انباشت سرمایه در اقتصاد ایران به‌شدت به ارزان‌سازی نیروی کار، سلب امنیت شغلی، انقباض حقوق قانونی کارگران و زحمتکشان، ایجاد تورم و سرکوب عریان وابسته است. در این ساختار، دولت، وزارت کار، کارفرمایان خصولتی و نهادهای امنیتی-قضایی در یک تقسیم کار مشخص، وظیفه تضمین سودآوری بنگاه‌ها از طریق سرکوب هزینه‌های مزدی و کنترل هرگونه اعتراض صنفی را بر عهده دارند..

فصل اول: اقتصاد سیاسی «پیمانکاری‌سازی» و قراردادهای موق

-ابزارهای رسمی استثمار و تحمیل روابط برده‌داری مدرن

پدیده‌ی گسترش شرکت‌های تأمین نیروی انسانی (پیمانکاران دلالی کار، که در برنامه‌ی توسعه دوم در دوران هاشمی رفسنجانی آغاز شد و تاکنون ادامه دارد)، در بخش‌های مختلف از جمله شهرداری‌ها (اهواز، ایلام، کرمانشاه، اصفهان و پسماند تهران و دیگر مناطق شهرداری‌ها)، صنایع بزرگ (صنعت نفت، گاز و پتروشیمی جم) و دیگر کارخانه‌ها، نشان‌دهنده‌ی تغییر ساختار روابط کار به زیان نیروی کار و برون‌سپاری مسئولیت دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین کارفرما، به نفع پیمانکاران رانتی و در جهت غارت دستمزد کارگران و زحمتکشان بوده است؛ وضعیتی که عملاً سیاست برده‌داری را بر بازار کار، کارگر و کارخانه حاکم کرده است.

•نقش انگل‌وارشرکت‌های واسطه در ارزش‌افزوده: کارفرمایان دولتی و عمومی با برون‌سپاری خدمات به شرکت‌های پیمانکاری، عملاً دو هدف را دنبال می‌کنند: نخست، سلب مسئولیت‌های مستقیم قانونی در قبال مزایا، بیمه تکمیلی و امنیت شغلی کارگر؛ دوم، ایجاد یک لایه دلالی که در ازای معرفی نیروی کار، درصدی از بودجه‌ی مصوب مزدی را به عنوان سود شرکت تصاحب می‌کند. که از حقوق کارگران کسر وبه

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

جیب واسطه ها سرازیر میشود، در این مدل، کارگری که ۵ تا ۱۸ سال سابقه دارد (مانند کارگران پسماند تهران یا پتروشیمی جم)، ناگهان با اتمام قرارداد پیمانکار بی‌دفاع رها می‌شود تا با نیروی جدید و قراردادهای موقتِ ارزان‌تر جایگزین شود. این سیاست عملاً به نابودی پروسه‌ی کیفیت تولید، ورشکستگی کارخانه‌ها و کارگران، و محروم کردن سیستم تولید و جامعه از نیروهای باتجربه و متخصص منجر می‌شود؛ خیانتی که رانت‌خواران در ازای سود بیشتر انجام می‌دهند.

•قراردادهای موقت به مثابه سلاحی برای اتمیزه کردن کارگر: قراردادهای موقتِ کوتاه‌مدت (یک‌ماهه، سه‌ماهه یا سفیدامضا) صرفاً ابزاری برای فرار از پرداخت سنوات نیستند؛ بلکه سلاحی برای خرد کردن و فلج کردن همبستگی کارگری‌اند. کارگری که می‌داند قراردادش ماه آینده تمدید نمی‌شود، عملاً امکان اعتصاب یا تشکیل تشکل مستقل را از دست می‌دهد و در حلقه‌ی دائمی «ترس از اخراج» محصور می‌ماند؛ این پیشاپیش پیاده کردن ساختار سرکوب است.

•خلع سلاح حقوقی باترفند «تعلیق شفاهی»: استفاده از روش‌هایی نظیر امتناع از صدور حکم کتبی اخراج و اعمال «تعلیق شفاهی» (ممنوع‌الورودی به کارگاه)، مکانیزمی حقوقی برای محروم کردن کارگر از حق شکایت به هیأت‌های تشخیص اداره کار است. کارفرما با مسدود کردن دسترسی کارگر به محیط کار و قطع بیمه، او را تحت فشار شدید معیشتی قرار می‌دهد تا زندگی حداقلی او در دو لبه‌ی قیچی قرار گیرد و بدون دریافت مطالبات سنواتی و قانونی، تحت یک فرسایش روحی، مالی ، تن به تسویه‌حساب اجباری دهد.

وسرگردان بدنبال هرکاری ولیمه نانی دوندگی کند،

فصل دوم: الیگارشی رانتی و خصولتی؛ انباشت از طریق سلب مالکیت و بحران بازنشستگان

تداوم بحران‌هایی نظیر ماه‌ها حقوق معوقه در حفاری شمال، شهرداری خاش، مجموعه ورزشی آزادی، و همچنین تجمعات مستمر بازنشستگان مخابرات و تأمین اجتماعی، به توزیع رانت و ساختار مالکیت در اقتصاد ایران گره خورده است.

•غارت بین‌نسلی ،شستا و واگذاری‌های رانتی: بحران صندوق‌های بازنشستگی (تأمین اجتماعی، کشوری، فولاد و سایر صندوق‌های بازنشستگی) صرفاً ناشی از کسری بودجه دولت نیست؛ بلکه محصولِ دهه‌ها واگذاریِ رانتیِ سهام سودآورترین شرکت‌های پتروشیمی، مخابرات و بانکی به نهادهای شبه‌دولتی و خصولتی تحت لوای «خصوصی‌سازی» است. دارایی‌های بین‌نس

لی کارگران از جمله امپراتوریِ اقتصادیِ شستا (شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی) و هلدینگ‌های وابسته به آن، به عنوان «رد دین» یا با قیمت‌های صوری به نهادهایی چون ستاد اجرایی فرمان امام یا صندوق‌های وابسته به نهادهای نظامی واگذار می‌شوند تا سود بنگاه به جیب باندهای مافیایی نظامی و بانکی برود و بار ورشکستگی بر دوش بازنشسته بیفتد؛ این یعنی سلب مالکیت سیستماتیک. یعنی انباشت سرمایه در قبال نابودی زندگی وآینده کارگران وبازنشستگان ،

•پاسخ‌گو نبودن درقبال تعهدات قانونی: امتناع مدیریت مخابرات از اجرای کامل آیین‌نامه ۲۴/۸۹، فریز شدن مزایای رفاهی از سال ۱۴۰۰ ، و عدم پرداخت مطالبات چندساله، نمادی از فرار سهامداران عمده از پذیرش مسئولیت‌های مالی است. هنگامی که سود و رانت به طبقات بالایی منتقل می‌شود، بار کسری بودجه بر دوش کارگران و بازنشستگانی می‌افتد که با نابودی درمان، تورم ساختاری و آینده‌ای نامعلوم دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

•فصل سوم: ریشه‌های اقتصادی و سیاسی تورم و سرکوب مزد؛ نقش بانک مرکزی، اتاق بازرگانی و شورای عالی کار

•طراحان وابزارهای اصلی تورم ساختاری: اتاق بازرگانی (به عنوان اتاق فکر کلان‌سرمایه‌داران) و بانک مرکزی با سیاست‌های پول‌پاشی و آزادسازی نرخ‌ها، موتورهای اصلی و ابزار تولید تورم در اقتصاد ایران‌اند که بستر سقوط آزادِ دستمزد واقعی را فراهم می‌کنند. دولت‌ها در ایران از طریق سیاست‌های پولی، ناترازی بانکی و افزایش نرخ ارز، تورم ایجاد می‌کنند تا کسری بودجه خود را جبران کنند. در این مسیر، وجود شرایط جنگی، تحریم و محاصره‌ی اقتصادی به‌وسیله‌ی آمریکا بر افزایش تورم تأثیر زیادی داشته، اما بارِ اصلی این تورم را با سرکوب دستمزدِ کارگران و کارمندان مهار می‌سازند.

•شورایعالی کاربه عنوان ابزار فریزوفرسایش دستمزدها: تعیین دستمزدهای تکلیفی بسیار پایین‌تر از نرخ تورم واقعی وسبد معیشت (مانند پیشنهاد افزایش ۳۰ درصدی به حداقل حقوق، در برابر تورم بیش از ۷۰ درصد) از سوی شورای عالی کار و فرافکنی دولت مبنی بر عدم دخالت مستقیم، راه را برای کوچک‌تر شدن مستمر سفره‌ی مزدبگیران هموار می‌کند. دولت با یک دست جیب کارگر را با تورم ساختاری غارت می‌کند و با دست دیگر، با سرکوب مزدی، مانع از بازتولید نیروی کار به سود انباشت سرمایه می‌شود. این شورا همواره به عنوان ابزاری سیستماتیک برای فریز کردن دستمزدها و فرسایشی کردن تعیین حداقل مزد عمل کرده است.

فصل چهارم: پشت پرده‌ی سازش طبقاتی؛ نقش وزارت کار، ادارات کار استانی، شورای عالی کار و خانه کارگر

در ساختار اقتصادی-سیاسی ایران، هرگاه سخن از حقوق کارگران و دستمزدهای زیر خط فقرودرحد بقا به میان می‌آید، عملکرد نهادهای رسمی نشان می‌دهد که آن‌ها مدافع طبقه کارگر نیستند؛ بلکه اضلاع یک مثلثِ حکومتی هستند که وظیفه اصلی‌شان قانونی کردنِ استثمار است. وعملا مجری سیاست های اقتصادی کلان سرمایه دارن، رانت خواران و الیگارش ها هستند،باندتکنوکرات‌های نئولیبرال،تئوریسین‌های اقتصاد آزادوانحصارات سرمایه‌داری: معماران و توجیه‌گران اصلی این سیستم، دو دسته اند: از یک سو مجریان اجرایی برخاسته از دولت‌های پس از جنگ (با محوریت حزب کارگزاران سازندگی و چهره‌هایی چون اکبرهاشمی رفسنجانی وحسین مرعشی وکرباسچی وخانواده جهانگیری و.....) که کالایی‌سازی نیروی کار را اجرا کرده‌اند؛ و از سوی دیگر، تئوریسین‌های اقتصاد آزاد (نظیرموسی غنی‌نژاد) ونظریه‌پردازان ارزان‌سازی مزد (مانند مسعودنیلی ومحمدطبیبیان) که با ترویج سیاست‌های تعدیل ساختاری و بازار آزاد، مبانی فکریِ سرکوب دستمزد و حذف حمایت‌های قانونی از کارگر را تئوریزه کرده‌اند. این جریان در هم‌پیمانی با کلان‌سرمایه‌دارانِ اتاق بازرگانی و کارتل‌های قطعه‌سازی وصنایع خصولتی، ائتلافی برای غارت منابع عمومی تشکیل داده‌اند که گستره‌ی منافع اقتصادی‌شان از انحصارات تجاری، صنایع و معادن استراتژیک، تا خودروسازی و بانک‌ها امتداد دارد

.-در این میان، جریانات موسوم به «پوپولیسم پادگانی و عدالت‌خواهان حکومتی» (با محوریت جریاناتی چون جبهه پایداری و چهره‌هایی نظیر سعید جلیلی، مرتضی آقاتهرانی، یاسر جبرائیلی و تئوریسین‌های تندرویی چون محمود نبویان و امیرحسین ثابتی) نیز اگرچه در سطح شعار با تکنوکرات‌های نئولیبرال و اتاق بازرگانی مرزبندی نمایش می‌دهند، اما ماهیت رویکردشان نه دفاع از رهایی طبقه کارگر وزحمتکشان، بلکه رقابت بر

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

سر نحوه تقسیم رانت، تمرکز قدرت در دالان‌های نهادهای شبه‌دولتی و تحمیل انضباط آمرانه و امنیتی بر نیروی کار است؛ جریانی که در بنیادِ سرکوب آزادی‌های مدنی و تشکل‌های مستقل، با دیگر جناح‌های حاکمیت اشتراک منافع کاملی دارد.

•وزارت کاروادارات کل استان‌ها: وزارت کار به جای پاسداری از حقوق نیروی کار، حامی ارزان‌سازی مزد است و در مواجهه با اخراج‌های دسته‌جمعی (مانند ۳۵۰ کارگر پسماند شهرداری تهران یا پتروشیمی جم)، به جای حل مسئله، به تکذیب عریان و فرافکنی برای حفاظت از کارفرمایان متخلف روی می‌آورد. ادارات کار استانی نیز به دفاتری برای تطهیر کارفرمایان و مهار شکایات تبدیل شده‌اند ومستقیم زیر نظر امنیتی ها مدیریت میشود،

•خانه کارگربه عنوان پلیس درونی ومهارکنندهاعتراضات: تشکلی به نام «خانه کارگر» که تحت مدیریت مادام‌العمر چهره‌هایی چون علیرضامحجوب (به همراه چهره‌هایی چون علی ربیعی یکی از امنیتی ترین چهره که منتسب به جریان‌های اصلاح طلب هستند) اداره می‌شود، به جای دفاع از سندیکاها وشوراهای کارگری، به عنوان ابزاری سیاسی برای کسب کرسی‌های قدرت و کنترل و خفه کردن اعتراضات مستقل کارگری عمل می‌کند. روزنامه «کار و کارگر» و خبرگزاری‌های وابسته، بازوی رسانه‌ای همین طیف در پراکندن توهم هستند .

فصل پنجم: نقش رسانه‌های ثروت و قدرت؛ کارخانه‌ی تولید توهم و تفرقه در جنبش کارگری

در کنار سرکوب عریان، یک ماشین رسانه‌ایِ سنگین وظیفه‌ی «پوشش ایدئولوژیک» این جنایت اقتصادی را بر عهده دارد:

•تولیدتوهم وپراکندگی: رسانه‌های وابسته به الیگارشی حاکم و طیف‌های نئولیبرال، با انتشار اخبار مخدوش، تحریف واقعیتِ استثمار، و تقلیل دادن اعتراضات به «سوءمدیریت‌های جزئی»، تلاش می‌کنند همبستگی طبقاتی کارگران را مخدوش کرده و مانع از شکل‌گیری آگاهی و انسجام سراسری شوند.

فصل ششم: تقسیم کار در سرکوب عریان؛ قوه قضاییه و پادگانی کردن کارخانه‌ها

هرگاه اعتراضات صنفی کارگران از مرزهای کنترل‌شده عبور کند و به اعتصاب یا تجمع تبدیل شود، دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی وارد میدان می‌شوند تا «دیکتاتوریِ بازار» را با سرکوب بدنی کامل کنند.

•اجرای احکام شلاق وایجادرعب عمومی: اجرای احکام تنبیهی شدید نظیر ۷۴ضربه شلاق برای کارگران معترض پتروپارس هویزه وجریمه های نقدی یا پرونده‌سازی‌های امنیتی علیه فعالان صنفی، کارکردی مشخص دارد: ایجاد بازدارندگی عمومی و تثبیت انضباط پادگانی در محیطهای کارگری به منظور ممانعت از شکل‌گیری همبستگی و اعتراضات سازمان‌یافته که از مهم ترین هدف تمام حاکمیت از هر جناح ودسته ای نی باشد.

فصل هفتم: چشم‌انداز مقاومت؛ ضرورت سازمان‌یابی و همبستگی مستقل

تجربه‌ی اعتراضات کارگران شهرداری‌ها، صنایع نفت و گاز، و بازنشستگان نشان می‌دهد که کانال‌های رسمی و نهادهای بورکراتیک موجود (مانند شوراهای اسلامی کارِ وابسته یا هیأت‌های حل اختلاف اداره کار) کارایی لازم را برای احقاق حقوق مزدبگیران ندارند؛ بلکه خود به‌عنوان ابزاری برای محدود کردن حرکت مطالبه‌گران و چرخه‌ی فرسایش آن عمل می‌کنند که عملاً تحت امر نیروهای امنیتی و اداره کار قرار دارند.

•محدودیت مطالبات صرفاًصنفی ومحلی: تا زمانی که اعتراضات به صورت جزیره‌ای و منفرد در یک کارگاه یا

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

شهر باقی بمانند، تا زمانی که اعتراضات با حداقل تراکم جمعیتی برگزار میشود، کارفرمایان و دولت توان سرکوب یا فرسایشی کردن آن‌ها را خواهند داشت.

•ضرورت اتحادطبقاتی وتشکل‌یابی مستقل: راهکار بنیادین برای تغییر این موازنه قوا، گذر از پیگیری‌های پراکنده به سمت تشکل‌یابی مستقل، ایجاد شوراهای محیط کار، طرد تشکل‌های زرد (مانند خانه کارگر) و پیوند پایدار و زنده میان مبارزات کارگران شاغل، معلمان، پرستاران و بازنشستگان است. تنها با درک منافع مشترک و ومطالبه محوری ، همبستگی سراسری و فشار از پایین است که می‌توان هزینه‌ی سرکوب را برای کارفرما و دولت افزایش داد و مرحله به مرحله به مطالبات برحق و قانونی خود دست یافت.

-

]۱ [منبع آمارها: استخراج‌شده از بولتن‌ها و گزارش‌های تحلیلی-میدانیِ تشکل‌ها و رسانه‌های مستقل کارگری، گزارش‌های پایش حقوق بشر و اخبار ثبت‌شده در پلتفرم‌های رصد اعتراضات صنفی و بازنشستگان

متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد!

همه با هم برای پایان دادن به جنگ، برقراری صلح، رفاه و آزادی متحدانه مبارزه کنیم!

بی‌ثباتان- بخش چهاردهم

گای استندینگ



بی‌ثبات سازی

یک راه دیگر برای بررسی پریکاریا نگریستن به آن به عنوان یک روند است؛ یعنی روندی که طی آن افراد به پریکاریا تبدیل می شوند .(Precariatisation) این واژۀ نامأنوس مشابه واژه "پرولتاریزه شدن" است که نیروهای کارگری پرولتاریزه شده در قرن نوزدهم را توصیف می کند. پریکاریا شدن یعنی قرار گرفتن در معرض

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

فشارها و تجربه هایی که به نوعی از زندگی در وضعیت پریکاریا می انجامند؛ وضعیتی که در آن فرد در زمان حال زندگی می کند، بی آن که هویتی باثبات یا احساس پیشرفت و تحولی را داشته باشد که از طریق کار و سبک زندگی می تواند حاصل شود.

از این منظر بخشی از گروه برخوردار از امنیت شغلی و جایگاه اجتماعی، که ما آنان را حقوق بگیران (salariat)نامیدیم، به سوی پریکاریا در حال لغزیدن است. نمونه "حقوق بگیر افسانه ای ژاپن این موضوع را به خوبی نشان می دهد. این کارگر متعلق به قرن بیستم که در یک بنگاه از اشتغال مادام العمر برخوردار بود، در چارچوب الگویی به شدت پدرسالارانه از مناسبات کار پدید آمد؛ الگویی که تا اوایل دهه 1980 رواج داشت. در ژاپن و دیگر کشورها قفس زرین به آسانی می تواند به قفسی سربی تبدیل شود؛ به این معنا که امنیت شغلی چنان زیاد باشد که دنیای بیرون به منطقه ای هراس انگیز بدل شود. این اتفاق در ژاپن و دیگر کشورهای شرق آسیا که الگوی مشابهی را پذیرفته بودند، رخ داد. بیرون افتادن از شرکت یا سازمان به نشانه ای آشکار از شکست و از دست دادن آبرو تبدیل شد. در چنین شرایطی تلاش برای رشد فردی به آسانی جای خود را به سیاست بازیهای حقیرانه می دهد: سر فرود آوردن در برابر افراد بالاتر در سلسله مراتب داخلی و توطئه چینی فرصت طلبانه .

این وضعیت در ژاپن به نهایت خود رسید. شرکت به خانواده ای خیالی تبدیل شد و رابطه استخدامی صورتی از "خویشاوندی قراردادی (kintractship) "به خود گرفت؛ رابطه ای که در آن کارفرما کارمند را به "فرزندی" می پذیرفت و در مقابل، چیزی نزدیک به رابطه ای مبتنی بر هدیه و بخشش را انتظار داشت: فرمانبرداری، وظیفه شناسی فرزندانه و دهه ها کار فشرده. حاصل این وضعیت فرهنگ اضافه کاری در خدمت سازمان و در نهایت، فداکاری نهایی یعنی کارمرگی(karoshi) ، مرگ ناشی از کار بیش از حد، بود. اما از اوایل دهه 1980 سهم نیروی کار ژاپن که به گروه برخوردار از امنیت شغلی و جایگاه اجتماعی تعلق داشت، به شدت کاهش یافته است. کسانی که هنوز به این موقعیت چسبیده اند، زیر فشار اند؛ بسیاری از آنان جای خود را به کارگران جوان تر و زنانی می دهند که از هیچ یک از تضمینهای شغلی آنان برخوردار نیستند. پریکاریا در حال جایگزین شدن با حقوق بگیران سنتی است؛ رنج این گروه را افزایش نگران کننده خودکشیها و بیماریهای اجتماعی آشکار می کند.

دگرگونی وضعیت حقوق بگیران در ژاپن ممکن است نمونه ای افراطی باشد. اما می توان دید که چگونه فردی که از نظر روانی در اشتغال بلندمدت گرفتار شده است، کنترل خود را از دست می دهد و به سوی نوعی وابستگی بی ثبات سوق پیدا می کند. اگر "والد" ناراضی شود یا نتواند یا نخواهد به ایفای نقش پدر یا مادر خیالی خود ادامه دهد، فرد به درون پریکاریا پرتاب خواهد شد؛ بی آن که مهارتهای لازم برای استقلال و توانایی رشد و پیشرفت را کسب کرده باشد. اشتغال بلندمدت می تواند به زوال مهارتها بیانجامد. این یکی از بدترین جنبه های دوران حاکمیت الگوی کار پدرسالارانه بود.

هرچند باید مراقب بود که تعریف بیش از حد گسترش نیابد، ویژگی دیگری از فرایند پریکاریا شدن را می توان چیزی نامید که باید "تحرک شغلی خیالی" خوانده شود. این پدیده در گرایش پست مدرن به صورت "ارتقای عنوان شغلی (uptitling) "بروز می یابد؛ گرایشی که مجله اکونومیست آن را به شکلی ظریف و طنزآمیز به

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

سخره گرفته است. به فردی که شغلی ایستا و بی آینده دارد، عنوانی پرطمطراق داده می شود تا گرایشهای مربوط به وضعیت پریکاریا پنهان بماند. افراد را "رئیس"، "مدیر اجرایی" یا "مسئول" می نامند، بی آن که ارتشی برای فرماندهی یا گروهی برای سازمان دهی داشته باشند.

نهاد حرفه ای آمریکایی مربوط به امور اداری، که خود نیز به شیوه ای معمول عنوانی پرطمطراق برای خود برگزیده و نامش را از "انجمن ملی منشی ها" به "انجمن بین المللی متخصصان امور اداری" تغییر داده بود، گزارش کرد که در شبکه خود بیش از 500 عنوان شغلی دارد؛ از جمله "هماهنگ کننده دفتر مرکزی"، "متخصص اسناد الکترونیکی"، "مسئول توزیع رسانه" (بخوان روزنامه رسان)، "مسئول بازیافت (یهنی خالی کننده سطل زباله" و مشاور بهداشت و نظافت (نظافتچی سرویسهای بهداشتی.(

ایالات متحده در ابتکار عمل برای ساختن عنوانهای شغلی پرطمطراق انحصار ندارد؛ این پدیده همه جا در حال وقوع است. در فرانسه نیز اکنون معمولاً به جای عنوان ساده تر "نظافتچی زن"، از عنوان پرمنزلت تر "تکنیسین سطوح (techniciennes de surface) "استفاده می کنند.

از مبارزه کارگران پیمانی برای لغو کار پیمانی و برچیدن قراردادهای موقت حمایت کنیم!

بیمه و حقوق هنگام بیکاری برای همه ی کارگران!

تبارشناسی تاریخی مبارزات و سازمان‌یابی نیروی کار در ایران دهه ۱۳۳۰ شمسی

بهروز فدایی



فصل چهارم ـ قسمت سوم

از جنبش ملی‌شدن نفت تا «شب طولانی» تشکل‌های کارگری

دستاوردهای دهه ۳۰

اگرچه دهه ۳۰ در نهایت با شکست سازمان‌های مستقل کارگری به پایان رسید، اما این دهه چند دستاورد تاریخی مهم داشت.

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

نخست: پیوند مبارزه صنفی و مسئله استقلال اقتصادی

جنبش ملی‌شدن نفت نشان داد که مطالبات کارگری می‌تواند با مسئله مالکیت منابع و استقلال اقتصادی پیوند بخورد.

دوم: تجربه قدرت سیاسی کارگران

۳۰ تیر و تحولات مربوط به ملی‌شدن نفت نشان دادند که کارگران می‌توانند در بحران‌های سیاسی کشور به نیرویی تعیین‌کننده تبدیل شوند.

سوم: بازگشت موقت اتحادیه‌ها

در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲، اتحادیه‌ها بار دیگر توانستند در فضای سیاسی فعال شوند. این دوره نشان داد که سرکوب دهه ۲۰ نتوانسته بود سنت سازمان‌یابی کارگری را به‌طور کامل نابود کند.

چهارم: تثبیت بخشی از حقوق کار

قانون کار ۱۳۳۷ مجموعه‌ای از حقوق مانند هشت ساعت کار، تعطیلات، مرخصی، قرارداد جمعی و سازوکار حل اختلاف را وارد نظام حقوقی کرد.

پنجم: تجربه مبارزه در شرایط سرکوب

کارگران دریافتند که با بسته شدن فضای سیاسی، مبارزه الزاماً پایان نمی‌یابد؛ بلکه می‌تواند از اعتصاب سراسری به اعتراض کارگاهی، کاهش سرعت کار، مذاکره، شکایت و شبکه‌های غیرعلنی تغییر شکل دهد .

شکست‌های تاریخی جنبش کارگری

اما شاید درس‌های مهم‌تر دهه ۳۰ از شکست‌های آن به دست می‌آیند.

۱ .ضربه‌پذیری تشکل‌های وابسته به یک حزب

اتصال بسیار نزدیک سازمان کارگری به حزب توده، در دهه ۲۰ قدرت زیادی ایجاد کرده بود؛ اما پس از کودتا، همان وابستگی باعث شد سرکوب حزب به سرکوب بخش بزرگی از شبکه اتحادیه‌ای نیز تبدیل شود.

۲ .ناتوانی در ایجاد یک جبهه مستقل و پایدار کارگری

جنبش کارگری نتوانست یک ساختار مستقل و پایدار ایجاد کند که در برابر تغییر دولت‌ها و سرکوب سیاسی باقی بماند.

۳ .پراکندگی میان گرایش‌های سیاسی

ملی‌گرا، توده‌ای، دولتی، ضدتوده‌ای و دیگر جریان‌ها هر یک تلاش می‌کردند بخشی از نیروی کار را سازمان دهند.

این رقابت، وحدت کارگری را دشوار کرد.

۴ .تمرکز بیش از حد بر صنایع بزرگ

نفت و کارخانه‌های بزرگ در مرکز توجه قرار گرفتند، اما کارگران کوچک، فصلی، ساختمانی و کارگاه‌های پراکنده کمتر سازمان یافتند.

۵ .عدم تناسب ساختار سازمانی با شرایط سرکوب

سازمان‌هایی که برای فعالیت علنی طراحی شده بودند، در برابر سرکوب امنیتی بسیار آسیب‌پذیر بودند.

مهم‌ترین درس دهه ۳۰ برای مبارزات کارگری امروز

تاریخ دهه ۳۰ اگر از منظر امروز خوانده شود، چند درس مهم دارد.

درس اول :تشکل مستقل مهم‌تر از رهبر قدرتمند است رهبران می‌توانند سازمان بسازند، اما اگر سازمان به یک یا چند فرد وابسته باشد، بازداشت یا حذف آنان می‌تواند کل ساختار را متزلزل کند.هدف سازمان‌یابی نباید فقط تولید رهبر باشد؛ باید تولید ظرفیت جمعی باشد.

درس دوم :تشکل صنفی نباید ابزار حزب سیاسی شود

تجربه حزب توده و شورای متحده نشان می‌دهد که همکاری سیاسی می‌تواند قدرت زیادی ایجاد کند، اما استقلال تصمیم‌گیری تشکل صنفی باید حفظ شود.

تشکل کارگری باید بتواند در برابر: دولت، کارفرما، حزب سیاسی و حتی متحد سیاسی خود از منافع اعضایش دفاع کند.

درس سوم :مبارزه اقتصادی نقطه شروع سازمان‌یابی است

مطالباتی مانند دستمزد، امنیت شغلی، مسکن، درمان و ساعات کار، کارگران را مستقیماً درگیر می‌کنند.

تجربه دهه ۳۰ نشان داد که مطالبات مشخص اقتصادی می‌توانند زمینه همبستگی کارگران با گرایش‌های سیاسی متفاوت را فراهم کنند.

درس چهارم :تشکل باید در محیط کار ریشه داشته باشد

جُنگ کارگری

گروه کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

اگر سازمان کارگری فقط در سطح رهبران سیاسی وجود داشته باشد، با سرکوب رهبران آسیب‌پذیر می‌شود.

اما اگر در هر محل کار: نمایندگان منتخب، شبکه ارتباطی، صندوق همبستگی، کمیته‌های صنفی و ارتباط میان کارگران وجود داشته باشد، نابودی سازمان دشوارتر خواهد بود.

درس پنجم :سازمان کارگری باید هم برای شرایط باز و هم شرایط بسته آماده باشد

دهه ۳۰ به شکل بسیار روشن این مسئله را نشان داد.

یک سال امکان راهپیمایی و فعالیت علنی وجود داشت؛ چند سال بعد فعالان زندانی و تشکل‌ها ممنوع شدند.

بنابراین سازمانی که فقط برای فضای آزاد طراحی شده باشد، در شرایط سرکوب آسیب‌پذیر است.

درس ششم :اتحادیه بدون قدرت اقدام جمعی ضعیف است

قانون کار ۱۳۳۷ بسیاری از حقوق کارگران را به رسمیت شناخت، اما حق اعتصاب را به صراحت تضمین نکرد.

این تجربه نشان می‌دهد:

وجود قانون کافی نیست؛ اجرای قانون به قدرت سازمان‌یافته کارگران نیز وابسته است.

درس هفتم :شبکه بین صنایع اهمیت دارد کارگران نفت قدرت اقتصادی زیادی داشتند، اما اگر ارتباط مؤثر و پایدار میان نفت، نساجی، راه‌آهن، چاپ، ساختمان و دیگر بخش‌ها وجود نداشته باشد، هر بخش می‌تواند جداگانه تحت فشار قرار گیرد.

تجربه شورای متحده در دهه ۲۰ و شکست آن در دهه ۳۰، اهمیت شبکه‌سازی بین‌صنعتی را به خوبی نشان می‌دهد.

درس هشتم :نباید کارگران غیررسمی و پراکنده فراموش شوند

تاریخ کارگری ایران بیش از حد حول کارخانه‌های بزرگ نوشته شده است.

اما بخش بزرگی از طبقه کارگر در کارگاه‌های کوچک، ساختمان، حمل‌ونقل، کوره‌پزخانه‌ها و کارهای فصلی فعالیت می‌کردند.

سازمان‌یابی پایدار بدون پیوند دادن این بخش‌ها به جنبش کارگری بزرگ‌تر ناقص خواهد بود

جمع‌بندی نهایی: از قدرت کارگری تا مهندسی تشکل کارگری

جُنگ کارگری

گروه کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

دهه ۱۳۳۰ در تاریخ جنبش کارگری ایران یک نقطه عطف است.

در آغاز دهه، کارگران هنوز میراث سازمانی قدرتمند دهه ۲۰ را در اختیار داشتند. ملی‌شدن نفت و دولت مصدق فضای تازه‌ای برای بازسازی فعالیت اتحادیه‌ای ایجاد کرد. کارگران نفت و دیگر صنایع در مبارزات سیاسی و اقتصادی فعال شدند و نشان دادند که طبقه کارگر می‌تواند در تحولات ملی نقش مهمی داشته باشد.

اما ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ همه‌چیز را تغییر داد.

کودتا فقط دولت مصدق را سرنگون نکرد؛ توازن قدرت میان دولت و جامعه را نیز به سود دولت تغییر داد.

سرکوب حزب توده، دستگیری فعالان کارگری، نابودی تدریجی شورای متحده و ایجاد تشکل‌های تحت نظارت دولت، جنبش کارگری را از یک نیروی مستقل اجتماعی به نیرویی محدود و کنترل‌شده تبدیل کرد.

در پایان دهه، قانون کار ۱۳۳۷ مجموعه‌ای از حقوق مهم کارگری را در نظام حقوقی تثبیت کرد؛ هشت ساعت کار، تعطیل هفتگی، مرخصی، قرارداد جمعی، سندیکا و سازوکار حل اختلاف از جمله این حقوق بودند.

اما تناقض اصلی همچنان باقی ماند:

حقوق اجتماعی کارگر به رسمیت شناخته شد، اما استقلال سیاسی و سازمانی طبقه کارگر محدود گردید.

از این منظر، دهه ۳۰ را می‌توان دهه «تفکیک حق کارگر از قدرت کارگر» نامید.

دولت پذیرفت که کارگر حقوق داشته باشد؛ اما نمی‌خواست کارگر دارای سازمان مستقلی باشد که بتواند این حقوق را با قدرت جمعی مطالبه کند.

این تجربه برای تبارشناسی جنبش کارگری ایرانبسیار مهم است، زیرا نشان می‌دهد که سرکوب جنبش کارگری فقط از طریق زندان و اعدام انجام نمی‌شود. شکل پیچیده‌تر آن، کنترل سازمان‌یابی است: ایجاد تشکل‌های وابسته، محدود کردن حق اعتصاب، نظارت بر رهبران، جداسازی مطالبات صنفی از سیاست و تبدیل اتحادیه به نهادی اداری.

در نتیجه، اگر دهه ۲۰ به ما نشان داد که سازمان‌یابی می‌تواند طبقه کارگر را به یک نیروی اجتماعی قدرتمند تبدیل کند، دهه ۳۰ نشان داد که حفظ استقلال و دوام آن سازمان، به اندازه ایجاد آن اهمیت دارد.

این شاید مهم‌ترین میراث تاریخی دهه ۳۰ باشد.

کارگران این دهه سه تجربه بزرگ را پشت سر گذاشتند:

۱ .تجربه قدرت اعتصاب و سازمان‌یابی؛

۲ .تجربه پیوند مبارزه کارگری با مبارزات ملی و سیاسی؛

۳ .تجربه سرکوب و کنترل سازمان‌یافته تشکل‌های مستقل.

بنابراین، مطالعه دهه ۳۰ فقط مطالعه شکست جنبش کارگری نیست. این دهه آزمایشگاهی تاریخی است که در آن هم قدرت کارگر سازمان‌یافته و هم شیوه‌های مهار این قدرت آشکار شد.

و همین تجربه، زمینه تاریخی ورود به دهه ۴۰ را فراهم کرد؛ دهه‌ای که در آن جنبش کارگری ایران در ظاهر آرام‌تر و تحت کنترل‌تر شد، اما در زیر سطح جامعه صنعتی ایران، تغییرات مهمی در ساختار طبقه کارگر، رشد صنایع، مهاجرت روستا به شهر، شکل‌گیری نسل جدید کارگران و تحول رابطه دولت و کارفرما در حال وقوع بود.

از همین رو، برای فهم جنبش‌های کارگری دهه‌های بعد، باید دهه ۳۰ را نه پایان مبارزه، بلکه دوره تغییر شکل مبارزه دانست.

منابع مهم برای ادامه پژوهش

در تدوین این گزارش، برای جلوگیری از اتکای صرف به روایت‌های حزبی، از چند دسته منبع استفاده شد: برای تاریخ جنبش کارگری و حزب توده؛ پژوهش‌های دانشگاهی درباره اتحادیه‌های ایران در دوره جنگ سرد؛ اسناد تاریخی وزارت خارجه آمریکا؛ و متن خود قانون کار ۱۳۳۷ .برای نمونه، ایرانیکا تصریح می‌کند که فعالیت اتحادیه‌ای در دوره ۱۳۳۰–۱۳۳۲ احیا شد و پس از کودتا دوباره تشکل‌های مستقل سرکوب

از مبارزه تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت حمایت و برای تحقق آن مبارزه کنیم!

تلاش حکومت برای کاهش حقوق بازنشستگی را محکوم و از مبارزه بازنشستگان برای افزایش حقوق حمایت کنیم!

استقرار عدالت اقتصادی با وجود استبداد سیاسی میسر نیست

صادق

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408



خواسته‌اند آنها را از زندگی خلاص کنند چون نه بضاعت تامین هزینه دارو و درمان خود را دارند، نه تحمل درد بیماری را.

هر روز در رسانه ها ده‌ها گزارش در مورد گرانی بیسابقه دارو بطوری که بیماران بضاعت تامین هزینه آنها را ندارند منتشر می شود که بدون اغراق یکی از دیگری هولناکتر هستند.

طبق قانون اساسی و تامین اجتماعی مخارج دارو و درمان شهروندان بر عهده تامین اجتماعی و دولت است. در گذشته نیز سه چهارم هزینه دارو و درمان بیمه شدگان توسط سازمان تامین اجتماعی پرداخت می شد، اما بتدریج همراه با غارت سرمایه ها و درآمد تامین اجتماعی توسط دولت، این تناسب بهم خورد و سه چهارم هزینه‌ها را به عهده بیمه شدگان گذاشته شد و یک چهارم را تامین اجتماعی ظاهرا هنوز بطور مشروط و با اما و اگرهایی پرداخت می کند.

بخش بزرگتری از درمان با طرح هایی همچون بیمه تکمیلی و طلایی ، با واگذاری تامین اجتماعی به شرکتهای خصوصی واگذار شد و پرداخت حق بیمه آن بر عهده بیمه شدگان قرار گرفت. از سوی دیگر دولت با قطع ارز ترجیحی قیمت داروها را چند برابر کرد.

نتیجه این تغییرات که احتمالا در آینده نیز تداوم پیدا خواهد کرد، وخیمتر شدن وضعیت دارو و درمان و فرستادن عده بیشتری از بیماران به کام مرگ است.

گرانی دارو و درمان خارج از تحمل و بضاعت اکثر بیماران فارغ از توجیهات فریبکارانه حکومت در واقع بخشی از همان رویکرد شوک در مانی حکومت است که تا کنون جان های زیادی از لایحه های فقیرتر جامعه را گرفته است و در واقع هم خلاف قوانین و هم جنایت است.

بی تردید تحریم ها و محاصره اقتصادی سهمی در این جنایت داشته و دارد که قابل انکار نیست، با این همه نقش اصلی را در این وضعیت سیاستهای اقتصادی و اجتماعی حکومت به عهده دارد. زیرا سالهاست که سیاست خصوصی سازی بخش های درمان و آموزش دنبال شده است و بخشی از امکانات درمانی و آموزشی عمومی به بخش خصوصی واگذار شده است.

دولت روحانی با کمک مجلس و ادعای تامین پوشش دارو و درمان همه گانی یک سوم حق بیمه ها را به کانال دولت هدایت کرد، عده‌ای نیز برای دولت هورا کشیدند، اما بعد از مدتی درباغ سبز، هزینه های درمان و دارو با خصوصی سازی بجای بهبود افزایش پیدا کرد. در دولت پزشکیان وضعیت از وخامت هم عبور کرد و به فاجعه کنونی رسید.

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

اکثر جریانات سیاسی حکومتی در همه ی سالهایی که این روند ادامه داشته از آن حمایت کرده‌اند. علت اش هم روشن است همه ی آنان از این رویکرد بهره برده‌اند و به قیمت درد و رنج مردم به ثروت و مکنت رسیده و نفوذ سیاسی و اقتصادی پیدا کرده‌اند.

اینک همه ی این جریانات کوشش می کنند علت واقعی این وضعیت را که محدود به دارو و درمان نیست و از تورم و گرانی گرفته تا سرکوب مزدی و سیاسی و اجتماعی را نیز شامل می شود، از دید مردم پنهان کنند، با این همه مردم خوشبختانه آنقدر با تجربه شده‌اند که ماهیت فریبکاری این جریانات را بدانند.

در این میان گروه کوچکی از اقتصاد دانهای عدالتخواه نظیر حسن راغفر و فرشید مومنی و شمار دیگری هستند که در آغاز تشکیل دولت پزشکیان به خطا خود را در اختیار این دولت قرار داده بودند، اما پس از مدتی با آشکار شدن ماهیت سیاستهای شوک آور و ضد مردمی این دولت از آن روی برتافتند و شروع به نقد و افشای ماهیت سیاستهای ضد مردمی دولت نمودند. فریب خوردن اقتصادان هایی ناقد دولتهای پیشین تا حد اعلام حمایت از دولت عمق پیچیدگی و فریبکاری این سیاست ها را می رساند.

با این وجود آنها ظاهرا هنوز تصور می کنند با نقد و انتقاد می توانند جهت گیری های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ریشه دار حکومت را اصلاح کنند. این در حالی است که دهها سال تجربه و عملکرد دولتهای مختلف نشان داده است، که رویکردهای رژیم در زمینه اقتصادی و نه در هیچ زمینه دیگری ناشی از فقدان دانایی یا خطاکاری نیست، بلکه سرشتی کاملا ساختاری دارد و با انتقاد و توصیه دچار تغییر و تحول نخواهد شد.

اینکه در این شرایط وانفسا هنوز کسانی هستند که سیاستهای ستمگرانه و عدالت ستیزانه رژیم را صرفا ز موضع عدالتخواهانه نقد نمایند گرچه می تواند در حد معینی به تحرکات اجتماعی در جامعه یاری برساند اما اثر آن چنان نیست که بتواند چرخ های این هیولای خونریز را که برای حفظ این نظم لعنتی هر روز عده‌ای از عدالتخواهان را بر سر دار می برد و صدها تن را دستگیر و روانه سیاه چالهای خود می کند، از حرکت بازدارد.

مبارزه برای عدالت و آزادی نه قابل تفکیک هستند و نه ره به سعادت میبرند و حتی باید گفت ازادی گام اول بسوی عدالت است بدون برداشتن آن حرکت بسوی عدالت پایدار قابل تصور نیست.

رژیم فقاهتی هم عامل استبداد و هم فقر و بی عدالتی است. بنا بر این تفکری که تصور می کند می تواند با چشم بستن بر استبداد سیاستهای اقتصادی را عادلانه تر کند ، هر چقدر هم که حسن نیت داشته باشد، سخت در اشتباه بسر می برد

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!

کمیته های سازماندهی اعتراضات را در محل های کار و زندگی تشکیل دهیم!

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408



کارگران بندر برای جنگ کار نمی‌کنند!

کارگران و اتحادیه‌های بندری در ۱۱۳ بندر جهان، با اعتصاب و تجمع علیه انتقال تسلیحات و نظامی‌سازی زیرساخت‌ها، همزمان خواستار افزایش دستمزد، امنیت شغلی و کاهش ساعات کار شدند.

به گزارش ایلنا و به نقل از رویترز، کارگران و کارکنان بنادر روز جمعه ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶، در اقدامی هماهنگ و بین‌المللی و به فراخوان فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری(WFTU) ، در ۱۱۳ بندر از ۲۲ کشور دست به اعتصاب، توقف کار و تجمع اعتراضی زدند.

این کارزار که با حمایت بیش از ۲۵ اتحادیهٔ کارگری برگزار شد، علاوه بر مخالفت با استفاده از بنادر تجاری برای انتقال سلاح و تجهیزات نظامی به مناطق جنگی، مطالباتی صنفی از جمله افزایش واقعی دستمزدها، بهبود شرایط کار، تضمین امنیت شغلی، کاهش ساعات کار و جلوگیری از حذف مشاغل در نتیجهٔ اتوماسیون را دنبال می‌کند.

شعار اصلی این کارزار «کارگران بندر برای جنگ کار نمی‌کنند (Dockworkers do not work for war)» است. اتحادیه‌های شرکت‌کننده همچنین خواستار جلوگیری از تبدیل زیرساخت‌های تجاری و حمل‌ونقل به پایگاه‌ها و ابزارهای نظامی شده‌اند و تأکید دارند که بنادر باید در خدمت مردم و صلح باشند.

کارگران بندر برای جنگ کار نمی‌کنند!

این اعتراض در بنادر کشورهای مختلف به شکل‌های متفاوتی اجرا شده است؛ از اعتصاب کامل و توقف عملیات بارگیری و تخلیهٔ کشتی‌ها تا توقف چندساعته کار و برگزاری تجمع‌های اعتراضی. ابتکار اولیهٔ این کارزار از سوی اتحادیه‌های کارگری بندری در ایتالیا، فرانسه، یونان، منطقهٔ باسک اسپانیا، ترکیه و مراکش شکل گرفت و سپس اتحادیه‌های دیگری از کشورهای مختلف به آن پیوستند.

از جمله بنادر مهم مشارکت‌کننده در این اعتراض می‌توان به پیرائوس در یونان، والنسیا و آلخسیراس در اسپانیا، لوهاور در فرانسه، جنوا در ایتالیا، طنجه مد در مراکش و نهایوا شوا در هند اشاره کرد .

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، تداوم بازداشت امیرسالار داودی، وکیل مدافع حقوق مردم، را قویاً محکوم می‌کند.

بازداشت امیرسالار داودی در حین دفاع از موکلش، نه‌تنها نقض آشکار حقوق بنیادین وکالت، بلکه حمله‌ای مستقیم به حق مردم برای دادخواهی و دسترسی به عدالت است. موکل ایشان جوانی بود که در جریان اعتراضات ۱۸ و ۱۹ دی بازداشت و به‌تازگی اعدام شد. اکنون بازداشت وکیل او، ادامه همان چرخه سرکوب و نقض ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و قانونی است که زخم‌های عمیق‌تری بر پیکر جامعه وارد می‌کند.

هیچ حکومتی حق ندارد وکیلی را به‌خاطر انجام وظیفه قانونی و حرفه‌ای‌اش بازداشت کند. چنین رفتاری تعرض آشکار به امنیت قضایی و حقوق شهروندی است. ما خواستار آزادی فوری و بی‌قیدوشرط امیرسالار داودی و توقف آزار و اذیت وکلای مدافع حقوق انسانی هستیم. سرکوب وکلای مستقل، نه عدالت را خاموش می‌کند و نه حقیقت را پنهان؛ بلکه تنها نشان می‌دهد که قدرت از پاسخ‌گویی در هراس است.

سندیکای کارگران شرکت واحد، در کنار وکلای مستقل، فعالان کارگری و صنفی و تمامی انسان‌هایی که برای عدالت، آزادی و برابری هزینه می‌دهند، ایستاده است.

به امید برقراری عدالت در ایران و سراسر جهان.

چاره‌ی کارگران و زحمتکشان، وحدت و تشکیلات است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۸ آبان ۱۴۰۵



در گذشت یکی از مبارزان جنبش سندیکایی در امریکا

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

زنی که با سازماندهی کارگران کشاورزی در امریکا کارفرمایان را به پذیرش حق بیمه، سندیکا و قراردادهای جمعی واداشت

ام

»دولورس هوئرتا» از رهبران اثرگذار جنبش کارگری آمریکا و از بنیان‌گذاران اتحادیهٔ کارگران کشاورزی، در ۹۶سالگی درگذشت؛ زنی که دهه‌ها برای بهبود شرایط مزارع، حق ایجاد سندیکا و برخورداری زحمت‌کشان از پیمان‌های دسته‌جمعی جنگید و شعار پرشور «بله، ما می‌توانیم!» را به یکی از ماندگارترین نمادهای مبارزات اجتماعی آمریکا تبدیل ساخت.

هوئرتا ابتدا در کسوت معلم دبستان در درهٔ سرسبز و پرمزرعه «سن‌واکین» کالیفرنیا مشغول به کار شد. مشاهدات عینی او از وضعیت رقت‌بار زندگی دانش‌آموزان، از سایهٔ سنگین گرسنگی تا پابرهنگی، او را قانع ساخت که تغییر وضعیت نیازمند خروج از کلاس درس و ورود به میدان سازمان‌دهی کارگران مزارع است .

او سال ۲۰۱۷ طی گفت‌وگو با مستند «لنز مستقل» شبکه پی‌بی‌اس اظهار داشت: «تماشای بچه‌های گرسنه و پابرهنه روی نیمکت کلاس غیرقابل تحمل بود. به این نتیجه رسیدم که سازمان‌دهی کارگران مزارع اثرگذارتر از تلاش فردی برای آموزش فرزندان گرسنه آن‌هاست».



میانگین دریافتی معلمان فقط ۲۹ میلیون تومان است!

سخنگوی وزارت آموزش‌وپرورش میانگین دریافتی معلمان شاغل را حدود ۲۹ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان اعلام کرد.



. برگزاری اعتراضات خیابانی بازنشستگان

روز یکشنبه ۱۰ آبان تظاهرات هفتگی و بدون وقفه بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای مختلف برگزار شد. تظاهر کنندگان خشمگین از فشار معیشتی در تظاهرات دیروز علاوه بر اعتراض به سیاستهای فقر آور

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

حکومت و گرانی و تورم مواد غذایی و دارو و درمان خواستار افزایش حقوق، درمان رایگان و همچنین آزادی زندانیان سیاسی، توقف اعدامها و جنگ شدند.



بازنشستگان شایسته زندگی شرافتمندانه‌اند، نه فقر و ناامنی! از اعتراضات بازنشستگان حمایت کنیم!

تجمعات اعتراضی بازنشستگان در روز یکشنبه دهم آبان در اهواز، کرمانشاه، شوش، کرخه، هفت‌تپه، تهران، اصفهان، رشت و دیگر شهرها، صدای اعتراض به فقر، گرانی، تورم افسارگسیخته، تبعیض، فساد، بیمه‌های ناکارآمد و سیاست‌هایی است که معیشت مردم را هر روز دشوارتر می‌کنند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، ضمن حمایت از اعتراضات و تجمعات بازنشستگان در سراسر کشور، همبستگی خود را با مطالبات برحق و انسانی آنان اعلام می‌کند.

نان، مسکن، آزادی و برابری حق مسلم همه ماست. از اعتراضات بازنشستگان حمایت کنیم و در کنار آنان بایستیم.

چاره کارگران و زحمتکشان، وحدت و تشکیلات است!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه



#بیانیه **تشکل های مستقل در حمایت از معترضان اروپا**

رفاه اجتماعی به جای جنگ

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

موجی از اعتراضات در شهرهای مختلف اروپا علیه سیاست‌های دولت‌ها جریان دارد. اعتراض علیه کاهش بودجه های اجتماعی، فرهنگی، رفاهی و اقتصادی، نارضایتی از افزایش هزینه‌های نظامی، جنگ طلبی، افزایش وام دولت ها و پرداخت بهرهٔ سنگین به مؤسسات مالی، معافیت های مالیاتی سرمایه داران بزرگ و غیره. تأثیر متقابل این اعتراضات در کشور فرانسه، خیزش های عمومی با خواست های مشترک طبقات و اقشار پائین اجتماعی در کشورهای دیگر اروپا نیز شکل گرفته است. مرکز ثقل و آغازگر اعتراضات کنونی در اروپا جوانان به ویژه دانشجویان و دانش آموزانی هستند که در شرایط نامطلوب اقتصادی و بحران های فراگیر اقتصادی سرمایه داری، افق روشنی برای زندگی خود متصور نیستند.
قابل پیش‌بینی است که در ادامه این اعتراضات، بخش های دیگر جامعه به ویژه طبقه کارگر و اتحادیه های کارگری نیز به صفوف معترضان پیوسته و با خواست‌های خود، ابعاد گسترده تری از نارضایتی توده ها را به نمایش بگذارند. همچنانکه هم اکنون شاهد به میدان آمدن کارگران اسکله ها در چندین کشور جهان، و بیش از صد بندر علیه فروش تسلیحات به اسرائیل و تلاش های اروپا برای تسلیح مجدد با شعار: « کارگران اسکله برای جنگ کار نمی کنند» دست به اعتصاب زدند.فراخوان این روز اعتراضی از سوی کارگران اسکله در ایتالیا، فرانسه، یونان، ترکیه، مراکش و منطقه باسک در کشور اسپانیا صادر شد؛ اما کارگرانی در ایالات متحده، استرالیا و هند و دیگر نقاط نیز آن را عملی کردند. پیوستن دانش آموزان به راهپیمایی کارگران اعتصابی اسکله در کاتانیا (سیسیل) و اتحاد دانشجویان و کارگران اعتصابی در جنوا و تشکیل دسته ای از اعتراضات مشترک و راهپیمایی باشکوه، با شعار: « ما جنگ نمی خواهیم»، اتحاد طبقاتی خود را بنمایش گذاشتند. اتحادیه های کارگری در فرانسه و به دنبال آن در کشور آلمان نیز فراخوان اعتصاب داده اند. در تمام این اعتراضات در کشورهای مختلف اروپا آنچه بر تارک جنبش های اعتراضی مشهود است، خواست ها و شعارهای مشترکی است که سرنوشت مشترک جوانان (دانشجویان و دانش آموزان) و کارگران و اقشار زحمتکش جامعه را متجلی می کند. این خواست ها عبارتند از :
اعتراض به هزینه های بالای زندگی و تورم

درخواست افزایش بودجه و کیفیت آموزش، بهبود فرسودگی امکانات آموزشی و دانشگاه ها.
بهبود شرایط بهداشت و درمان عمومی.

اعتراض به هزینه های تحصیلی و مسکن.

مخالفت با احیای خدمت اجباری سربازی.

عدالت مالیاتی، اقدام واقعی برای بحران اقلیمی، انتقاد از تعویق تصمیمات حیاتی در حوزه آب و هوا، حفظ حقوق بنیادین.

مخالف با افزایش نظارت های امنیتی و پلیسی، اعتراض علیه سیاستهای ریاضتی دولت ها، علیه گرانی،

کاهش خدمات عمومی و سیاسی و اقتصادی.

تداعی این خواست ها برای کارگران و زحمتکشان ایران هشداری است از شرایط مشترک فلاکت بار جهان سرمایه داری که کارگران، جوانان، زنان، بازنشستگان و همه اقشار زحمتکش جامعه جهانی را به ورطه فقر، بی عدالتی، استثمار، جنگ و نا امنی کشانده است .
خواست معترضان و توده های زحمتکش در همه کشورها، خواست مشترک جوانان، دانشجویان، دانش آموزان، معلمان، کارگران، زنان، بازنشستگان و همه توده های زحمتکش ایران است. یورش نظام ظالم سرمایه داری جهانی به سطح معیشت کارگران و زحمتکشان در کشورهای مختلف، جبهه ای مشترک در تمام عرصه های مختلف جامعه در مقابل ما گشوده است.
کارگران و زحمتکشان ایران بخشی از گردان های جهانی کارگران و زحمتکشان هستند. از این رو حمایت از اعتراضات جهانی به ویژه اعتراضات دانشجویان و کارگران اروپا وظایف مشترک در جبهه جهانی علیه سرمایه داری است. برای تقویت این جبهه جهانی و تحقق بخشیدن بر اتحاد کارگران همه کشورها، ضروری است برای تضعیف سرمایه داری جهانی و تقویت مبارزه طبقاتی در حلقه ای از نظام بهره کشی بین المللی، پرچم مبارزه علیه نظام سرمایه داری را بر افراشته نگه داریم. تشکل های مستقل کارگران و بازنشستگان در اتحاد با برادران خود در اروپا و همصدا با آنها می گوییم: « رفاه بجای جنگ »
و فریاد برآوریم که :
بودجه عمومی باید صرف آموزش، بهداشت، مسکن، محیط زیست، بهبود شرایط زندگی کارگران و جوانان و اقشار زحمتکش و رفاه اجتماعی شود، نه مسابقه تسلیحاتی، عظمت طلبی و ستم، سرکوب و استثمار فزایندهٔ طبقهٔ کارگر و دیگر زحمتکشان جامعه.

۱۱ آبان ۱۴۰۵سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کارگران بازنشسته خوزستان

گروه اتحاد بازنشستگان



جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۸آبان ۱۴۰۵، برابر ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۰۸ | Iranian Workers Analects – No:408

بازنشستگان مخابرات ایران در تهران، اصفهان، سنندج، بیجار و چند شهر دیگر به روال هفته‌های گذشته تجمع کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، امروز، دوشنبه ۱۱ آبان ماه، بازنشستگان مخابرات ایران درشهرهای تهران، اصفهان، سنندج، بیجار و برخی دیگر از شهرهای کشور به روال هفته‌های گذشته تجمع کردند .

طبق گفته‌ی این بازنشستگان، فریز وعدم بروزرسانی جیره غیرنقدی از سال ۱۴۰۰ علیرغم نص صریح توافقنامه رفاهی شرکت مخابرات، از جمله دلایل از این اعتراض است. وضعیت نابسامان بیمه تکمیلی و افزایش خودسرانه حق السهم بیمه بازنشستگان، از دیگر دلایل این اعتراضات عنوان شده است .

اجرای بدون کم و کاست مرحله‌ی سوم متناسب‌سازی حقوق، اجرای آیین‌نامه استخدامی ۸۹.۲۴ و بروز کردن مبلغ خواروبار، از مطالبات کلیدی بازنشستگان مخابرات است .

متحد و متشکل علیه سیاستهای ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!

از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان مدنی و سیاسی و لغو قانون اعدام را تشدید کنیم!

*برای تماس با نشریه "جُنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

*"جُنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:

https://bepish.org/taxonomyterm/457